

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

"کلیه‌ی حقوق اعم از تکثیر، چاپ، نسخه‌برداری، اقتباس و... از این پایان‌نامه، متعلق به دانشگاه بیرجند است و هرگونه سوء استفاده از آن پیگرد قانونی دارد. نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است."



دانشگاه بیرجند
دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی
گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه جهت اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد
رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

مبانی تعلیم و تربیت کودکان در بوستان و گلستان

استاد راهنما:

دکتر مرادعلی واعظی

استاد مشاور:

دکتر بتول مهدوی

نگارنده:

مهناز چالاکی

تابستان ۱۳۹۰

تقدیم به سرمایه‌های

گرانقدر زندگی‌ام:

« پدر و مادر

مهربان »

و

« همسر عزیزم »

چکیده

در مورد انسان، تربیت به معنای رشد گرایش‌های متعالی، اخلاق نیکو و هم‌چنین فعلیت یافتن کمالات بالقوه‌ی نفسانی می‌باشد. یکی از اصلی‌ترین رویکردهای بشر در طول تاریخ و نیز سعی و اهتمام سعدی معطوف به تعلیم و تربیت بوده است. شیخ نقش وراثت، استعداد‌های خدادادی و فطری را در تربیت بسیار مهم می‌داند و با استفاده از تشبیهات زیبا در قالب حکایت، داستان و تمثیل به بررسی تأثیر استعداد ذاتی و گوهر وجودی در تربیت می‌پردازد. او نفس آدمی را خوب می‌شناسد و بر این باور است که باید تربیت اخلاقی از همان اوان کودکی آغاز شود، زیرا اگر خوی بد در نفس آدمی استقرار یابد به آسانی نمی‌توان آن را پاک کرد. وی هم‌چنین شخص غیرمستعد و ناقابل را غیرقابل تربیت می‌داند.

سعدی تربیت اخلاقی فرد را به مربی وابسته می‌داند و برای او اخلاق و شرایط ویژه‌ای قایل شده است و می‌گوید: مربی اخلاق علاوه بر دارا بودن فضیلت و معرفت، باید اهل عمل صالح، راست‌گفتار و درست‌کردار نیز باشد و پیش از تربیت دیگران، نفس خود را تربیت کرده و بر نفس خود غالب شده باشد.

شیخ اجل ضمن بیان بعضی از مسائل تربیتی چون تأثیر عوامل ارثی و محیط در رفتار فرد، به نقش تنبیه و تشویق در تغییر رفتار دانش‌آموز، وظایف معلم‌ان و رسالت اندیشمندان و دانایان جامعه در تحکیم ارزش‌های انسانی و معنوی نیز اشاره می‌کند. هم‌چنین عوامل دیگری چون تفاوت‌های فردی، تمایلات و خواسته‌ها و نیازهای افراد و تجربیات گذشته را نیز مؤثر می‌داند.

مبانی تعلیمی و تربیتی گلستان و بوستان سعدی در عصر حاضر هنوز قابل استفاده است، اما به علت تغییر در نگرش‌ها و شرایط اقتصادی، اجتماعی و پیشرفت دانش‌های انسانی، بسیاری از آموزه‌های تربیتی و پرورشی سعدی درباره‌ی کودکان و نوجوانان، در روزگار ما کارآیی خود را از دست داده است که این آموزه‌ها، باید مطابق با زمان، پرورانده و به‌روز شوند.

واژگان کلیدی: سعدی، بوستان، گلستان، تعلیم و تربیت، کودک

فهرست مطالب

۸	مقدمه
۱۱	(۱) کلیات تعلیم و تربیت
۱۴	(۱-۱) تربیت
۱۸	(۲-۱) تعلیم
۱۹	(۳-۱) تفاوت تعلیم و تربیت
۲۰	(۴-۱) مبانی تعلیم و تربیت
۳۰	(۵-۱) اهمیت تعلیم و تربیت
۳۲	(۶-۱) ضرورت تعلیم و تربیت
۳۴	(۷-۱) اهداف تعلیم و تربیت
۳۶	(۸-۱) مشخصات تعلیم و تربیت در ایران
۳۸	(۹-۱) مفهوم تربیت در آثار ادبی فارسی
۳۹	(۱۰-۱) نظام آموزش و پرورش
۴۵	(۱۱-۱) نگاهی گذرا به ویژگی‌های نظام آموزش و پرورش معاصر
۵۱	(۲) کودک و جایگاه او؛ از دیروز تا امروز
۵۱	(۱-۲) کودک
۵۸	(۲-۲) کودک و متون کهن
۶۱	(۳-۲) کودک و آموختن ادبیات
۶۲	(۳) سعدی و مبانی تعلیم و تربیت
۶۲	(۱-۳) روزگار سعدی
۶۴	(۲-۳) تعلیم و تربیت و ادیبان قبل و بعد سعدی

۹۲	۳-۳ ادبیات کودکانه
۹۳	۱-۳-۳ جبّار باغچه‌بان
۹۵	۲-۳-۳ عبّاس یمینی شریف
۹۸	۴-۳ بوستان و گلستان سعدی
۱۰۶	۵-۳ مبانی فکری و نگاه تربیتی از دیدگاه سعدی
۱۰۶	۱-۵-۳ وراثت
۱۱۸	۲-۵-۳ تشویق و تنبیه
۱۲۵	۳-۵-۳ خانواده
۱۳۵	۴-۵-۳ اجتماع
۱۴۰	۵-۵-۳ آموزش و محیط آموزشی
۱۴۸	۶-۵-۳ سنّ تربیت‌پذیری
۱۵۲	۷-۵-۳ معلّم و متعلّم
۱۵۹	نتیجه
۱۶۱	فهرست منابع و مآخذ

مقدمه

هدف از خلقت انسان رسیدن به کمال مطلوب و لازمه‌ی تحقق آن، کسب فضایل اخلاقی در سایه‌ی تربیت است همچنان‌که در آیات قرآن کریم که از جانب خالق هستی می‌باشد پیام‌های اخلاقی و تربیتی بسیاری به وضوح مشاهده می‌شود. انبیا نیز هدفی جز تعلیم مکارم تربیتی و اخلاقی نداشته‌اند.

شاعر عارف و فرزانه، سعدی بخش اعظم آثار منظوم و مثنوی خود را به آموزه‌های تربیتی و اخلاقی مزین کرده و سخنان نغز و حکیمانه‌ی خود را تحت تأثیر این اندیشه‌ها بیان نموده است. او مفاهیم تربیتی و اخلاقی را گاهی به صورت نثر مسجع، گاه شعر عاشقانه و گاه در قالب حکایت و داستان به صورتی روان و تأثیرگذار به رشته‌ی تحریر درآورده است.

سخنان سعدی نه مقید به زمان است و نه اسیر مکان؛ بلکه تا زمانی که انسان زنده است و تا روزگاری که معرفت و شرافت در نهاد انسان‌ها حضور دارد، تازه و شنیدنی است.

امروزه یکی از دغدغه‌های جامعه به‌ویژه والدین و مربیان، مسائل تربیتی کودکان است که در رفتار دوران جوانی و بزرگسالی آنها تأثیر غیرقابل انکاری دارد. از آنجایی که همه‌ی جوامع بشری از جمله جامعه‌ی ایرانی در معرض هجوم ناهنجاری‌های رفتاری و تربیتی رسانه‌های گوناگون جهانی قرار گرفته‌اند، مطالعه و احیای فرهنگ اصیل ایرانی-اسلامی می‌تواند تا حد زیادی راهکارهای مناسبی برای والدین و مربیان ارائه دهد.

پرسش‌های اساسی این تحقیق عبارت‌اند از:

- در بوستان و گلستان مبانی تعلیم و تربیت کودکان چه مختصاتی دارند؟
- سعدی از کتاب‌های تربیتی قبل از خود نظیر قابوسنامه، کیمیای سعادت و... چگونه تأثیر پذیرفته است؟
- سعدی در اندیشمندان بعد از خود تا چه حد تأثیر داشته است؟
- چه تفاوت‌های عمده‌ای میان مبانی تعلیم و تربیت آثار سعدی با تعلیم و تربیت معاصر وجود دارد؟

- تعالیم تربیتی کودکان در بوستان و گلستان سعدی با هم چه تفاوت‌هایی دارند؟

فرضیه‌های مطرح شده در این تحقیق عبارت‌اند از:

- بوستان و گلستان از عمده‌ترین کتاب‌های تربیتی هستند.
- سعدی از کتاب‌های تربیتی قبل از خود تأثیرپذیری داشته است.
- سعدی همواره در تعلیم و تربیت ایرانی-اسلامی بعد از خود مؤثر بوده است.
- تعلیم و تربیت جدید با آنچه در بوستان و گلستان آمده است تفاوت‌های عمده‌ای دارد.
- مبانی تربیتی گلستان و بوستان سعدی متفاوت است؛ زیرا گلستان حالت گزارشی دارد و بوستان محتوایی آرمانگرایانه.

درباره‌ی پیشینه‌ی این تحقیق، یادآور می‌شود که مشابه این موضوع کارهایی انجام گرفته است اما در هیچ‌کدام، بررسی‌ها کامل نیستند و بر اساس مبانی علمی، تطبیق و مقایسه انجام نشده است. این تحقیق به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از فیش‌برداری انجام گرفته است. اساس کار تطبیقی بوده، که ضمن آن تعلیم و تربیت گذشته با دوره‌ی معاصر مقایسه گردیده، همچنین به تعلیم و تربیت معاصر و رفتارهای کودکان و دانش‌آموزان نیز نگاه نقادانه‌ای شده است. در تدوین این پایان‌نامه، نخست به کلیاتی درباره‌ی تعلیم و تربیت پرداخته شده، سپس در بخش دوم به مبحث کودک و جایگاه او از گذشته تا به امروز اشاره شده است. در بخش سوم، از روزگار سعدی و تعداد محدودی از ادیبانی که بر سعدی تأثیر گذاشته و یا از او تأثیر پذیرفته‌اند سخن رفته، در این فصل ادبیات کودکانه نیز مورد بررسی قرار گرفته، در ادامه مبانی تعلیمی و تربیتی برجسته در آثار سعدی با توضیح و ذکر مثال از ادیبان دیگر بیان شده است. در پایان نیز نتیجه‌ی تمامی فصول به اختصار آمده است.

یادآور می‌شود که مبانی اندیشه‌ی سعدی در همه‌ی زمینه‌ها مبتنی بر اصول تعلیم و تربیت قرآن، روایات و منابع اسلامی است و تعالیم سعدی را می‌توان بخش کوچکی از گستره‌ی پهناور تعلیم و تربیت اسلامی دانست که بیش از هزار سال است آبشخور فکری اندیشمندان مسلمان می‌باشد. پرداختن کامل به کتاب آسمانی و روایات -که سرشار از مبانی تعلیمی و تربیتی و درس زندگی کردن و خوب زیستن هستند- اگر قرار بود اساس کار قرار بگیرد حجم پایان‌نامه شاید

بیش از ده برابر می‌شد؛ که هم از حوصله‌ی این کار خارج است و هم از قلمرو رشته‌ی تحصیلی نگارنده.

از استادان ارجمند گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی به دلیل زحماتشان تشکر می‌کنم. از استاد راهنمای عزیزم جناب آقای دکتر مرادعلی واعظی که با کمال حوصله و صبر و با دقتِ نظر فراوان به راهنمایی اینجانب پرداختند و از سرکار خانم دکتر بتول مهدوی که زحمت مشاوره‌ی این پایان‌نامه را برعهده داشتند قدردانی می‌کنم و زحماتشان را ارج می‌نهم.

۱) کلیات تعلیم و تربیت

آدمی تنها موجودی است که نیازمند تعلیم و تربیت می‌باشد و آموزش در تکامل او، امری انکار ناپذیر می‌نماید. تعلیم و تربیت در قرون اولیه علی‌رغم امروز به شیوه‌ی علمی رواج نداشت، اما به تدریج و با پیشرفت همه‌جانبه‌ی علم، مراحل رشد و تکامل روزافزون را سپری نمود تا جایی که امروزه به آموزش و پرورش به صورت یک علم تخصصی نگریسته می‌شود.

تعلیم و تربیت بسیار گسترده است و نسل‌های گوناگون در اعصار مختلف برای رفع مشکلات خود از آن مدد می‌گیرند. "اهمیت تعلیم و تربیت آدمی و زیان‌هایی که بر اثر فقدان یا نقصان آن دامنگیر فرد و جامعه تواند شد، از سویی و احتمال انحراف آن از مسیر صحیح در مدت نسبتاً طولانی‌رشد کودک از سویی دیگر، ایجاب می‌کند که فعالیت‌های مربوطه مورد توجه خاص و مداوم قرار گیرد و تدابیر مربوط به اداره و هدایت آن با دوراندیشی و آینده‌نگری هر چه تمام‌تر اتخاذ شود" (شکوهی، ۱۳۷۲، مقدمه: و).

تاریخ تعلیم و تربیت به معنای عام خود - یعنی منحصر نبودن به مدرسه و معلم - به تاریخ تمدن بشر برمی‌گردد. در روند تعلیم و تربیت فرزندان، خانواده با عواملی از قبیل وراثت نقش مهمی ایفا می‌کند. افزون بر آن نقش مدرسه و آموزگار را - که شاید در گذشته به عنوان تنها نهاد مسئول در تربیت کودک تلقی می‌شده است - نباید نادیده گرفت. "هرودوت^۱ و استرابون^۲ آغاز تحصیل ایرانیان را از پنج سالگی نقل کرده‌اند ولی افلاطون سن هفت را ذکر نموده است و مؤید قول او کتاب دینکرد است. حدس زده می‌شود که تا هفت سالگی، طفل نزد پدر و مادر تربیت می‌یافته و از هفت به بعد نزد آموزگار و مربی" (صدیق، ۱۳۱۶: ۳۲). بنابراین هم خانواده و هم

¹ Herodotus

² Strabo

مدرسه به عنوان دو نهاد مهم و مؤثر در شکل‌بخشی به شخصیت کودکان وظیفه‌ی سنگینی بر عهده دارند. محیط اجتماعی نیز با عواملی چون: اقلیم، شرایط آب و هوایی، فرهنگ و آداب و رسوم، مذهب، سیاست و... تأثیر بسزایی در چگونگی رفتار و اخلاق کودکان دارد. بی‌تردید هنگامی که دو فرد در دو محیط اجتماعی گوناگون زندگی و رشد می‌کنند دارای اخلاق، عواطف و عادات متفاوت می‌شوند. زمان نیز نقشی مهم در شکل‌گیری رفتار و اخلاق انسان ایفا می‌نماید و این حقیقت با مقایسه‌ی مراحل مختلف زندگی بشر در عصرهای گوناگون به‌خوبی قابل درک است.

ذکر تاریخ و پیشینه‌ی تعلیم و تربیت نیز اهمیت بسیاری دارد. "اولاً به‌طور مستقیم و کامل مربوط است با تاریخ عمومی فکر بشر و روشنگر علل اعمال و اقدامات انسان در ازمنه‌ی مختلف می‌باشد. ثانیاً تاریخ تعلیم و تربیت مقدمه‌ی علوم تربیتی است و باید آن را از لحاظ علمی و عملی مورد مطالعه قرار داد و درباره‌ی حقایقی که در طی قرون متمادی کشف شده و پایه و اساس تعلیم و تربیت امروزی است تفحص نمود و از آنها استفاده کرد. ثالثاً مطالعه‌ی تاریخ تعلیم و تربیت به منزله‌ی تحصیل مبانی، اصول، روش و فلسفه‌ی تربیت است یعنی جامع شعبه‌های عمده‌ی تعلیم و تربیت می‌باشد. رابعاً تاریخ تعلیم و تربیت محرک بزرگ اخلاقی است. وقتی معلم شرح زحمات طاقت‌فرسای مربیان بزرگ بشر را ببیند و بخواند... قهراً در او قوت و شجاعتی پدید می‌آید که موجب تشویق و دلگرمی وی می‌گردد و او را در کار روزانه استوار می‌کند" (صدیق، ۱۳۱۶: ۴).

ایرانیان از قدیم برای تعلیم و تربیت اهمیت خاصی قایل بوده‌اند و والدین را موظف به اجرای آن می‌دانسته‌اند. گواه این مطلب، بسیاری از نوشته‌های ادبی به جا مانده از آن دوران است. "لکن نقطه‌ضعفی که از دیدگاه روان‌شناسی و آموزش و پرورش در آنها دیده می‌شود این است که در تمام آنها کودک، کوچک شده‌ی بزرگسالان پنداشته شده و به آینده‌ی کودک بیش از زمان کودکی‌اش توجه شده است" (شعاری نژاد، ۱۳۷۰: ۳۷).

در ایران باستان، تربیت جنبه‌ی مذهبی، اخلاقی و اجتماعی داشته است و والدین سعی داشته‌اند فرزندان نیک منش و نیکورفتار تربیت کنند که بتوانند در راه پیشرفت خود و جامعه‌شان

گام‌هایی مؤثر بردارند. پس از تربیت مذهبی و اخلاقی به اطفال پیشه‌ای می‌آموختند. "در ایران قدیم سه شغل و سه طبقه وجود داشت: موبد، سرباز، برزگر. بعدها صنعتگر یا پیشه‌ور نیز به وجود آمد. اطفال عموماً شغل پدر را تعقیب می‌کردند زیرا می‌گفتند از او استعداد شغل را به ارث برده و سعادت جامعه در این است که آن را پیش گیرند" (صدیق، ۱۳۱۴: ۳۴).

تربیت در ایران باستان در عین برخورداری از محاسنی چند، خالی از عیب نیز نبود. تربیت عملی کودک، تربیت بدنی و آموزش انواع ورزش‌های مورد نیاز آن زمان مانند اسب سواری، تیراندازی، شنا و... جهت زندگی سالم و دفاع از خود و نهادینه کردن ارزش‌هایی چون کردار نیک و گفتار نیک و پندار نیک -سه اصل مهم دین زردشت- در وجود وی از محاسن تربیت در ایران باستان به شمار می‌رفت. اما این تربیت معایبی نیز داشت که برای نمونه می‌توان به انحصاری بودن تحصیل و تربیت برای اشراف و بزرگان و نیز ایجاد تسلیم و اطاعت بی‌اندازه و محض در مقابل قدرت حاکم اشاره نمود (جرج راولین سن، ۱۸۷۵. ج ۲: ۳۱۹).

تعلیم و تربیت به مانند همه‌ی دانش‌های بشری دارای اهداف، اصول و شیوه‌های مخصوص به خود است. این شاخه‌ی مهم از علوم انسانی به قدری وسعت پیدا کرده که امروزه به‌عنوان یکی از اولویّت‌های مهم و حیاتی همه‌ی نظام‌های سیاسی و اجتماعی به‌شمار می‌رود.

هرچه می‌گذرد نیاز به تعلیم و تربیت در کنار دیگر علوم هم در سطح و هم در عمق بیشتر احساس می‌شود، بدیهی است که تحولات شگرف در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن و ظهور ابزار نوین در صنعت و تکنولوژی، روش‌های آموزشی را نیز تحت تأثیر قرار داده و راه‌های فراوانی را برای تحقق اهداف تعلیم و تربیت فراروی آموزش و پرورش به‌عنوان نهادی تأثیرگذار قرار داده است. بنابراین انتظار می‌رود که نظام آموزش و پرورش، همگام با این تغییرات، به روش‌های نوین تربیتی به‌ویژه کودکان و نوجوانان و مسائل آموزشی پیرامون آنها فکر کند.

حال، برای آشنایی بیشتر و درک بهتر مفهوم «تعلیم و تربیت» بایسته است ابتدا مختصری به بحث درباره‌ی آن پرداخته شود و از آنجا که تربیت مفهومی وسیع‌تر و مهم‌تر از تعلیم دارد ابتدا تربیت توضیح داده می‌شود:

۱-۱) تربیت

تربیت یکی از مفاهیم اساسی و پررنگی است که نقش مهمی در زندگی انسان ایفا می‌کند. همه‌ی انسان‌ها به‌گونه‌ای از تربیت برخوردار هستند و سعی می‌کنند در جریان زندگی، فرزندان خویش را نیز از آن بهره‌مند سازند. تربیت، آینده‌ی زندگی بشر را رقم می‌زند و هر چه این تربیت صحیح‌تر باشد آینده‌ی بهتری را برای فرد در پی خواهد داشت. تربیت صحیح می‌تواند نقش مؤثری در جهت رشد قوای جسمانی و عقلانی فرد داشته باشد و باعث آشکار شدن فضایل و صفات انسانی در او گردد.

تربیت در لغت به معنی پروردن، پروردن کودک را تا بالغ گردد، ادب آموختن، برکشیدن و به ترقی و کمال رسانیدن آمده است (دهخدا. «تربیت») و از حیث مفهوم نیز دامنه‌ای بسیار گسترده دارد و هر کسی مطابق نگرش و بینش خود برداشت خاصی از آن می‌کند. از همین روست که درباره‌ی مفهوم آن بین صاحب‌نظران و دانشمندان این علم اتفاق نظر وجود ندارد. برای نمونه به ذکر چند تعریف درباره‌ی «تربیت» می‌پردازیم:

صبور در این باره چنین می‌نویسد: "تربیت عبارت است از پرورش و تقویت استعدادهاى مثبت تا به سرحدّ کمال ممکنه و ایجاد هماهنگی لازم در بین آنها همراه با تضعیف استعدادهاى منفی تا به سرحدّ انهدام ممکنه از وجود" (صبور، بی‌تا: ۳۲).

در این تعریف نویسنده استعدادهاى مثبت و منفی برای انسان‌ها تصوّر کرده است و کار مربی این است که استعدادهاى مثبت را تا سرحدّ کمال تقویت کند و استعدادهاى منفی را تا حدّ نابود کردن آنها تضعیف کند. حال این پرسش پیش می‌آید که آیا این استعدادها در همه انسان‌ها یکنواخت و کاملاً قابل تشخیص است؟ و چگونه استعدادهاى مثبت و منفی افراد را می‌توان درک کرد و در تغییر آنها کوشید؟ به نظر نگارنده چون این استعدادها نسبی است نمی‌توانیم حکم کلی درباره‌ی ارتقای صفات مثبت یا از بین بردن صفات منفی صادر کنیم و باید مبانی کاملاً ثابت شده‌ای برای استعداد ذاتی انسان‌ها داشته باشیم مانند وراثت، شرایط اجتماعی و خانوادگی، باورهای دینی، وضع اقتصادی و مواردی نظیر آن.

یکی دیگر از پژوهشگران این عرصه گفته است: "تربیت عبارت است از اداره و هدایت جریان ارتقایی و رشد بشر به منظور جهت دادنش به سوی کمال بی‌نهایت" (ملکی، ۱۳۸۲: ۹).

برعکس تعریف قبل، در این تعریف یک نگاه کلی به انسان شده است و تربیت را یک جریان ارتقایی برای جهت دادن به انسان‌ها برای رسیدن به کمال تا بی‌نهایت می‌داند. این تعریف هم جای اشکال دارد. مربیان با توجه به تفاوت‌هایی که انسان‌ها دارند از کجای این جریان باید شروع کنند؟ ابتدای این جریان ارتقایی کجاست؟ در واقع این مربی است که به اندازه‌ی آموزه‌ها و توان علمی خویش به تربیت و ارتقای رشد بشری فراگیران می‌پردازد.

در یکی دیگر از منابع آمده است: "تربیت یعنی برانگیختن استعدادها و قوای گونه‌گون انسان و پرورش آن، که باید با کوشش و مساعی خودِ متربی نیز توأم گردد تا به منتهای کمال نسبی خود - به میزان طاقت و توانایی - نائل شود. این استعدادها و قوای مختلف و کیفیّت کاربرد آنها در سایه‌ی اعمال منظم و سازمان یافته متربی، تحت نظارت مربی و پرورشکار، شکوفایی و رشد خود را آغاز می‌کند" (حجتی، ۱۳۵۸: ۱۰).

در این تعریف نوعی تعامل بین مربی و متربی ملاحظه شده است یعنی باید هم تربیت کننده و هم تربیت شونده هر دو تلاش کنند و هماهنگ با هم بر اساس برنامه‌ی تربیتی مشخصی حرکت رو به رشد داشته باشند. این تعریف برای مراکز عمومی که متربّیان، هم‌سن یا هم‌گروه هستند و برنامه‌ی روزانه، هفتگی، ماهانه، گاه سالانه‌ی مرتبی دارند می‌تواند کارساز باشد زیرا هماهنگ کردن مربی و متربی خود یک مدیریّت بسیار پرتلاش و کاربلدی را می‌طلبد که در هر جایی امکان فراهم شدن آن میسر نیست.

در آثار ادیبان بزرگ ما نیز، تربیت به اشکال متفاوتی تعریف شده است. به‌عنوان مثال در *آیهاالولد* تربیت به کار کشاورزی تشبیه شده است:

"معنی تربیت نیز شبیه کار کشاورزی است که خار و علف‌های هرز را از بین محصولات بیرون می‌کشد تا محصولاتش خوب به ثمر برسند و شکوفا شوند" (غزالی، ۱۳۸۸: ۴۳).

در *مرزبان‌نامه* آمده است:

"...چون [کودک] به دروازه‌ی حدوث رسد، در آن حال چندین کس از مادر و پدر و دایه و ددک و حاضنه و راضعه به تربیت او قیام می‌نمایند و هَلْمٌ جَرّاً تا بدان مقام که در کنف کلاعت و حجر حمایت و حفظ ایشان پروریده و بالیده می‌گردد و از منزل جبر و اضطراب به مقام فعل و اختیار ترقّی می‌کند" (وراوینی، ۱۳۶۳: ۱۲۱).

سعدی در مواعظ خود تربیت و مراحل آن را این‌گونه بیان کرده است:

اولین باب تربیت پند است	دومین نوبه خانه و بند است
سومین توبه و پشیمانی	چهارمین شرط و عهد و سوگندست
پنجمین گردنش بزن که خبیث	به قضای بد آرزومندست

(سعدی، ۱۳۷۵: ۱۴۲)

ممکن است ده‌ها تعریف دیگر درباره‌ی تربیت بخوانیم که هر کدام بر اساس اطلاعات محدود نویسندگان آن کتاب‌ها یا از سلیقه‌های شخصی آنان بیان شده باشد ضمن اینکه همه‌ی این تعاریف تا حدّی قابل اجرا نیستند اما اشکالات عمده‌ای هم دارند که در هر شرایط زمانی و مکانی نمی‌توان از آنها به عنوان یک نمونه استفاده کرد.

موضوع تربیت شامل انسان می‌شود، انسانی که شکل‌گیری شخصیتی او منوط به عوامل متعدّدی مثل جامعه، وراثت، محیط خانوادگی، محیط آموزشی، آموزه‌های دینی و فرهنگی و... می‌باشد. در کتاب *تعلیم و تربیت و مراحل آن* درباره‌ی موضوع تربیت چنین نوشته شده است: "نفس انسانی است که از آن، به قول خواجه نصیرالدین طوسی، به‌طور ارادی افعال جمیل و محمود یا قبیح و مذموم صادر تواند شد" (شکوهی، ۱۳۷۲: ۲). اگر خواجه نصیرالدین طوسی نفس انسانی را محلّ اصلی تعلیم و تربیت می‌داند با آنچه دانشمندان تعلیم و تربیتی امروز گفته‌اند تعارض ندارد زیرا وقتی ما می‌گوییم شکل‌گیری شخصیتی منظورمان همان نفس آدمی است که خواجه به آن اشاره کرده است.

انسان شدن یا به خصایص انسانیت دست یافتن و آراسته شدن، جز از راه تربیت سالم امکان ندارد. تربیتی که به کلیت رفتار انسان توجه دارد و بهره‌مندی از زندگی سالم را هدف عمده‌ی خود تلقّی می‌کند. تربیتی که امروز انسان را فدای آینده نمی‌کند بدون اینکه از آینده‌ی او و ارزش

حیاتی آن غافل باشد. تربیتی که علم، قدرت و محبت متقابل را با هم شرط ضروری زندگی سالم می‌داند و می‌کوشد این سه را به صورت هماهنگ در همه‌ی مردم ایجاد و تقویت کند تربیتی سالم و ایده‌آل است. تربیت یا آموزش و پرورش سالم این هدف مهم را دنبال می‌کند که متربی شناخت لازم را پیدا کند و در طول حیاتش پیوسته بر این شناخت پایه‌ای بیفزاید، قدرت لازم را برای کاربرد معقول و مشروع شناخت یا علم و معرفت خود به‌دست آورد و مهارت محبت متقابل لازم را برای استفاده‌ی مطلوب و سالم از شناخت و قدرت اکتسابی‌اش بیاموزد.

سالم بودن یک نظام تربیتی و محتوای آن را می‌توان از میزان و چگونگی توجهش به نکات و موارد مذکور و موفقیت‌هایش در این موارد شناخت. به بیان دیگر، یک نظام تربیتی سالم معتقد است که انسان وقتی می‌تواند از سعادت واقعی هر دو جهان برخوردار شود که دست، دل و مغز او هماهنگ تربیت یابند و او از بدن سالم، عاطفه‌ی سالم و فکر سالم با هم بهره‌مند گردد. چنین تربیتی است که انسان هر روز بیشتر ارزش حیاتی آن را درمی‌یابد و خود را کاملاً بدان نیازمند احساس می‌کند. انسان می‌داند که هرگز نمی‌تواند قدرت یادگیری خود را کاملاً تحت کنترل خویش درآورد و مثلاً تصمیم بگیرد که دیگر یاد نگیرد. البته می‌تواند نوع و میزان آموختنی را انتخاب بکند ولی نمی‌تواند یاد نگیرد و تجربه‌هایش را ثابت و یکسان نگه دارد. حال اگر اوضاع یادگیری مناسبی در اختیارش قرار بگیرد و محیط مساعدی برای یادگیری به‌وجود آید اولاً شخص به یادگیری هرچه بیشتر و حتی ادامه‌ی آن در طول زندگی برانگیخته خواهد شد، ثانیاً تجارب سودمندی به دست خواهد آورد و این نیز او را از یک زندگی سالم، مشروع و لذت‌بخش بهره‌مند خواهد کرد. پس اولیای امور کشور مخصوصاً مسئولان تربیتی باید فراهم ساختن و تأمین اوضاع یادگیری مناسب و مساعد را برای همه‌ی مردم به‌ویژه کودکان و نوجوانان کشور، از نخستین و اساسی‌ترین وظایف خود بدانند و آن را کاملاً جدی بگیرند و پیوسته میزان موفقیت خود را در این امر حیاتی انسانی ارزشیابی کنند زیرا ارزشیابی از برنامه‌ها، وسایل آموزشی و کم و کیف آموزش در صورتی مفید و ثمربخش خواهد شد که: ۱. به اندازه‌ی خود برنامه‌ها و فعالیت‌های تربیتی، جدی و مهم تلقی شود ۲. مداوم باشد ۳. به روش‌ها و شیوه‌های علمی انجام گیرد ۴. از هرگونه تعصب و پیشداوری و اعمال نظرهای شخصی به دور باشد ۵. نتایج به‌دست

آمده دقیقاً مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند ۶. و سرانجام بر اساس یافته‌ها، تغییرات لازم را در محتوا و اجرا به عمل آورند. اگرچه در این بخش به تعاریف و توضیحاتی درباره‌ی تربیت پرداختیم اما هدف در این پژوهش تعلیم و تربیت توأمان هستند و بنا نداریم که یکبار مسائل تربیتی و در جایی دیگر مسائل آموزشی یا تعلیم را به طور مبسوط مورد بررسی قرار دهیم. در بخش اصلی پایان‌نامه نیز تعلیم را در کنار تربیت بررسی خواهیم کرد.

۱-۲) تعلیم

تعلیم در لغت به معنی بیاموختن، بیآگاهانیدن و آموزانیدن آمده است. (دهخدا. «تعلیم») اما در اصطلاح "همان آموزش دادن است که معلّم مطالب مورد نظر خود را به متعلّم القا می‌کند یعنی ذهن او به منزله‌ی مخزنی است که معلوماتی به آن انتقال داده می‌شود" (صانعی، ۱۳۸۰: ۱۳). معلومات مذکور می‌تواند شامل انواع علوم از قبیل: علم اکتسابی، علم حضوری و... و آموزش‌هایی چون: آموزش مدرسه‌ای، آموزش شفاهی، آموزش از رفتار و سکنات مربّی و... و در مراکز تعلیمی مانند: مدرسه، مسجد، خانقاه، مکتب و... صورت بگیرد. این معلومات تا هنگامی که به مرحله‌ی عمل وارد نشوند هیچ ارزشی ندارند زیرا علم بدون عمل فاقد اعتبار است. متأسفانه در مدارس امروزی بیشترین توجه معلّمان و مربّیان، صرف تعلیم محض می‌شود و موفقیت دانش‌آموزان را فقط در گرو گرفتن نمره‌ی قبولی می‌دانند در صورتی که همین دانش‌آموزان وقتی وارد عرصه‌ی عمل و بازار کار می‌شود به ناکامی خود پی می‌برد.

اما "تجارب و آزمایش‌های زندگی به ما فهمانده است که اموری که متربّیان و شاگردان درباره‌ی آنها زیر سایه‌ی کوشش‌های شخصی، کسب مهارت می‌کنند نسبت به آنچه از رهگذر تلقین و تعلیم فراهم می‌آورند، بارزتر و پایدارتر است. به همین جهت قسمت عمده‌ی مساعی معلّم در شرح و تلقین معلومات و اجبار شاگردان به شنیدن مصروف می‌گردد" (حجّتی، ۱۳۵۸: ۱۱). تعلیم غیرمستقیم نیز در مربّی بسیار تأثیرگذار است. به‌عنوان مثال سعدی در گلستان در قالب حکایت و تمثیل نمونه‌های تربیتی بسیاری را ایراد نموده است. از جمله: "زاهدی مهمان

پادشاهی بود. چون به طعام بنشستند، کمتر از آن خورد که ارادت او بود و چون به نماز برخاستند بیش از آن کرد که عادت او. تا ظنّ صلاحیت در حقّ او زیادت کنند.

ترسم نرسی به کعبه ای اعرابی کین ره که تو می روی به ترکستانست
چون به مقام خویش آمد سفره خواست تا تناولی کند. پسری صاحب فراست داشت. گفت: ای پدر باری به مجلس سلطان در طعام نخوردی؟ گفت: در نظر ایشان چیزی نخوردم که به کار آید. گفت: نماز را هم قضا کن که چیزی نکردی که به کار آید.

ای هنرها گرفته بر کف دست عیبها برگرفته زیر بغل
تا چه خواهی خریدن ای مغرور روز درماندگی به سیم دغل؟
(سعدی، ۱۳۷۵: ۶۶)

۱-۳) تفاوت تعلیم و تربیت

«تعلیم و تربیت» دو واژه‌ی متفاوت با مفاهیم متفاوت هستند به گونه‌ای که نمی‌توان آن دو را به جای یکدیگر به کار برد؛ البته تربیت، معنا و مفهوم بسیار گسترده‌ای دارد و تعلیم یکی از زیر مجموعه‌های آن به شمار می‌آید.

"تربیت عبارت از هر نمو و تهذیبی است که قوا و استعدادهای فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد اما تعلیم به معنی نقل معلومات است به قصد اینکه متعلم آن را فراگیرد و به معلومات خود بیفزاید. بنابراین در مقایسه بین این دو واژه، همان‌طور که ذکر شد تعلیم از شاخه‌های تربیت است؛ زیرا تربیت، استعدادها را در جهت کمال رشد می‌دهد. تعلیم در مقایسه با تربیت شمول و عمومی‌تری ندارد و یکی از وسایل اجرای قوانین تربیت بوده و باید جزء وسایل عملی آن به شمار آید؛ زیرا برای پرورش استعدادها راه‌هایی مانند تعلیم وجود دارد که نیروی ادراک، اراده و حافظه را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین تربیت، تعلیم را نیز شامل می‌شود و بر آن مقدم است اما هر دو به یکدیگر وابسته بوده و از هم بی‌نیاز نیستند. مآل هر یک به کمال دیگری مربوط است و به تعبیر منطقی رابطه‌ی بین آن عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی هر تعلیمی مصداق تربیت بوده اما هر تربیتی مصداق تعلیم نیست" (صانعی، ۱۳۸۰: ۱۵).

به‌طور کلی باید گفت: «تربیت» در جهت رشد و اعتلای قوای انسان و سوق دادن آن به سوی عادات و کردار شایسته و الهی گام برمی‌دارد اما «تعلیم» به دلیل محدودیت خویش کمتر انسان را به سوی اهداف متعالی رهنمون می‌سازد.

با وجود همه‌ی تفاوت‌ها "تعلیم و تربیت باید ترکیبی از تئوری و عمل باشد. علم، طرح و نقشه را ارائه می‌دهد و عمل، بدان تجسم می‌بخشد. ارزش علم به عمل وابسته است و عمل آگاهانه نشانه‌ی هدایت می‌باشد. ارزش عالم در کاربرد گفته‌ها و نظریات او است. ایده‌آل آن است که علم و نظر مقرون به کار و عمل باشد" (آزادی، ۱۳۷۳: ۹۶).

در این پژوهش به تعلیم و تربیت به‌عنوان یک مقوله‌ی کلی که در رشد و کمال انسان‌ها مؤثرند نگریسته شد و هدف آن است که با محوریت آثار سعدی، به بحث درباره‌ی مبانی تعلیم و تربیت بپردازیم.

۱-۴) مبانی تعلیم و تربیت

تربیت مفهومی کلی است و تعلیم یکی از شاخه‌های آن به شمار می‌رود. از این رو مبانی تربیت، مبانی تعلیم را نیز در برمی‌گیرد. مبانی تربیت "از وضعیت آدمی و امکانات و محدودیت‌های او و نیز از ضرورت‌هایی که حیات آدمی را تحت تأثیر قرار می‌دهد بحث می‌نماید" (شکوهی، ۱۳۶۸: ۶۱).

مبانی تربیت بر دو اصل استوار است:

۱. مبانی علمی

۲. مبانی فلسفی (ملکی، ۱۳۸۲: ۲۹)

انسان دارای ویژگی‌هایی است که توجه به آنها لازمه‌ی پیشرفت و تکامل اوست. از جمله‌ی این خصوصیات می‌توان به ویژگی‌های روانی، بیولوژیک، روابط اجتماعی انسان‌ها، شرایط زیستی، اوضاع اقتصادی و... اشاره نمود. از این رو باید گفت: "مبانی علمی تربیت توجه به ویژگی‌های زیست‌شناختی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و اقتصادی و مسائل مربوط به تاریخ و چگونگی